

## از: یادداشتهای دانشمند فقید عباس اقبال

بقیه از شماره قبل

## خدمات ایرانیان بتمدن عالم

۱- بعقیده نقادان جدید چنانکه اشاره کردیم نقاشی چینی که بهترین نمونه تذهیبها و نقاشی های عصر مغول و تیموری و صفوی ما از آنچشمه آب میخورد و نمونه های کامل آن موجب اعجاب دنیا و بقیمت زر خرید و فروش میشود از اصل ایرانی و مانوی است فقط چون پس از رفتن از ترکستان شرقی بچین بار دیگر از راه چین بایران برگشته و چینی ها نیز از خود آثاری در آن گذاشته اند بسبک چینی مشهور شده.

۲- تجلید و صحافی و شیرازه و نوشتن عنوان کتاب در پشت جلد و استعمال مرکب چین و مزین کردن خطوط با کلیل و آمیختن آنها ببوی خوش از مانویهاست

۳- آراستن کتب بنقوش و صور که در ایران قدیم هم معمول بوده از مانویه در بلاد اسلامی و از آنجا بسایر ممالک منتشر شده مخصوصاً دو کتاب شاهنامه و کلیله که بعدها یعنی در عصر عباسی زنادقه مانویه بآنها بر مسلمین افتخار میفروختند همیشه مصور بوده.

نصربن احمد سامانی پس از ترجمه کلیله از عربی بفارسی امرداد که از چین ( یعنی ترکستان شرقی مرکز مانویه ) نقاشانی برای آراستن آن کتاب بصور بیاورند .

۴ - درفارسی امروزی دومصدر داریم یکی خواندن دیگری نگاشتن که اولی بیشتر بمعنی قرائت و دومی بمعنی نوشتن استعمال میشود اما همراه این دومعنی هر کدام از دومصدر مزبور معانی دیگری دارند .

خراندن بغیر از قرائت بمعنی آواز خواندن و نگاشتن غیر از نوشتن بمعنی نقش کردن نیز هست .

باحتمال بسیار قوی این دو مصدر از وقتی معمول شده که در فارسی خواندن خط با آواز و نگاشتن خط با نقاشی توأم بوده و همه میدانیم که خنیاگر در فارسی بمعنی مغنی و سازنده و نگارگر بمعنی نقاش است. بعقیده راقم این سطور این گونه استعمال باید از عهد مانوی به مانده باشد.

۵ - قسمتی از آداب و تعلیمات صوفیه عهد اسلام مخصوصاً از آئین مانوی مقتبس است.

۶ - نهضت زنداغه قسمت کلی آن از برکات تعلیمات مانویان است و ما باز در این باب صحبت خواهیم کرد.

این بود شمه‌ای از آئین مانوی و تأثیرات آن در عالم که یکی از دخالت‌های مغنوی نژاد ایرانی است. در تمدن عمومی دنیا.

امردیگری که در مطالعه خدمات ایرانیان دوره ساسانی بتمدن عالم باید مورد توجه قرار گیرد تمدن ساسانی است.

تمدن ایرانیان عهد ساسانی از بسیاری جهات شبیه بتمدن هخامنشی ایران است باین معنی که در این دوره نیز مانند ایام هخامنشیان باز عنصر ایرانی همان عنصر اداره کننده ملل قدیمه مشرق و تشکیل دهنده تمدن واحد خاصی است از مجموع تمدنهای باستانی موجوده در این دوره هم طبع آریائی عنصر ایرانی از مجموع تمدنهای هندی و چینی و یونانی و آداب و مدنیت‌های سامی (بابلی و سریانی و عرب) تمدنی مخصوص درست کرده است که با وجود ایرانی نبودن اکثر اجزاء آن باز مجموعه آن تمدن ایرانی محسوب میشود چه این تألیف و ترکیب بدست ایرانی و در سرزمین ایران بدوق و سلیقه مخصوصی صورت گرفته و ممیزات قوم آریائی ایرانی در هر جزء آن هویدا است.

تمدن ساسانی نیز مانند تمدن هخامنشی چندان جنبه علمی اصیلی ندارد که

بتوان آنرا بقوم ایرانی منتسب داشت زیرا که آنچه از این مقوله معمول و متداول بوده مقتبس از یونان و هند است و بدست علما و اطبای این دولت و رعایای بابلی و سریانی ایران تعلیم و منتشر میشده. کوشش و هم ایرانی در این دوره هم مصروف دفاع سرزمین‌های ملل مغلوبه قدیم از تعرض بیگانگان و دشمنان تمدن و حکومت دادن امن و عدالت و اداره و آباد کردن قسمتی از دنیای متمدن از کنار شط سند و جیحون تا لب دریای مدیترانه و وادی نیل بوده است و جای شبهه نیست که تا قومی ببرکت لیاقت فطری و استعداد اداره و هوش و تدبیر موصوف و ممتاز نباشند و بآداب و اخلاق و سیاست راندن ملک و حسن معامله و انصاف با مردم آگاهی نیابند از عهده چنین امری خطیر آنهم در مدت پنج قرن متوالی بر نخواهند آمد. بهمین جهت اگر کسی میخواهد سر ترقی و تعالی ایران را در عهد ساسانیان دریابد و علت پایداری این دولت عظیم الشان را در مقابل قوی‌ترین اقوام تاریخ قدیم یعنی رومیان و موجب اعتلا و سرفرازی و بلند نامی اجداد ساسانی ما را بداند باید حل این معمی را از راه مطالعه و تتبع آداب و اخلاق معمول در آن عهد بجوید و مفتاح این باب را در تحقیق تربیت و پرورشی بدست بیاورد که منتهی بظهور مردان نامی بلند قدری نظیر اردشیر و شاپور اول و شاپور دوم و بهرام گور و خسرو انوشیروان میشده و بدست ایشان قوم ایرانی را در آن ایام در سراسر دنیای قدیم سر بلند و بر جمیع همسایگان خود حکم روا میساخته است.

این شاهنشاهان بزرگوار هوشیار با نهایت استغراقی که در کار کشور گشائی و اداره و اصلاح حال ملک و ملت داشتند چون میدانستند که بقا و قوام هیچ قومی بدون علم و معرفت صورت پذیر نیست هر قدر میتوانستند در جلب علمای بیگانه و حمایت فرهنگ و دانش و گشودن بیمارستانها و دارالعلم‌ها می کوشیدند و در بار خود را پناهگاه و مجمع ارباب ادب و معرفت قرار میدادند مخصوصاً در قسمت اخیر

شاهنشاهی ساسانیان چون بعلت استیلای وحشیان ژرمن بر اروپا و از میان رفتن دولت روم غربی و تجزیه ممالک رومی و بی سرپرست شدن حوزه های علمی مصر و شام و روم شرقی دیگر ملجأ و پناهگاهی جزایران ساسانی بجا نمانده بود اقدام شاهنشاهان ایران در این راه از بزرگترین خدمات قوم ایرانی بتمدن عالم است چه اگر این چنین قانونی بدست ایشان در ایران روشن و زنده باقی نمانده بود موقعیکه مسلمین باخذ علوم قدیمه و تشکیل تمدن اسلامی دست زدند و جزء اعظم مایه کار خود را از ایران و رعایای سریانی و یونانی ایران گرفتند و بعدها همانها را هم به متمدنین اروپائی سپردند بچیزی قابل دست نمی یافتند و بآن سرعت و کمال بچنین امری توفیق نمی یافتند.

اگر روزگاری اجزاء عمده تمدن اسلامی و اقتباساتی که متمدنین جدید از آن کرده اند تحلیل و تاریخ هر یک از آنها تحقیق شود واضح خواهد شد که تمدن ساسانی ایران و اجداد زیرک ما در این راه چه دخالتی عظیم داشته و چه حق خدمت و نعمت بزرگی ایشانرا بر دنیا ثابت است.

بدبختانه کمی وقت و ضیق مجال بمافروست آنرا نمیدهد که در این موضوع دلکش بدقت داخل در صحبت شویم، اجمالا اشاره می کنیم که بدون دستیاری تمدن و آداب و کتب و یاورری اداره کنندگان ایرانی از دبیر و مشیر و وزیر و سردار و مترجم و طبیب و ستاره شناس و زاهدان محال بود که چرخهای اداری ممالک اسلامی در عهد خلفا بآن خوبی و نظم بگردد و آنهمه درخشندگی و ترقی نصیب مسلمین و تمدن اسلامی شود. آداب ایرانی بنام «آداب الفرس» یا «الاداب الکسرویه» یا «الاداب الشهرجانیة» از قبیل اقامه مراسم نوروز و سده و مهرگان و بازی نرد و شطرنج و گوی و چوگان تاریخ و تقویم ایرانی، دیوان و ترتیب حفظ دفاتر مالی و وصول مالیات و جزیه، ترتیب آبیاری، وزارت و اداره امور درباری خلفا و حکام، ضرب مسکوکات، مراسم

شادی از ساختن و خواندن و اقسام سازها و آوازهای ایرانی همه را مسلمین از ایرانیها گرفته و مجریان این آداب حتی در عهد خلفا نیز خود ایرانیها بوده‌اند .

در اخلاقیات و معنویات نیز نصیب ایرانی در تشکیل تمدن اسلامی فوق العاده است ، کتبی که مسلمین از پهلوی بعربی برگردانده‌اند از قبیل زیج شهریاری ، خداینامه ، سندبادنامه ، کلیله و دمنه ، هزارافسان ( اصل الف لیلة و لیله ) ، کارنامه اردشیر ، نامه تنسر ، سیرت انوشیروان ، کتاب بهرام چوبینه ، آئین نامه و صدها کتاب دیگر که قسمتی از آنها بدنیای جدید نیز انتقال یافته همه نماینده تأثیر معنوی و اخلاقی ایرانیان عهد ساسانی است در تمدن دنیا . هر کس میخواهد بهتر از این موضوع مخبر شود ، کتب ابن مقفع ، جاحظ ، ابوحنیفه دینوری ، ابوعلی مسکویه ، ابوریحان بیرونی ، ابومنصور ثعالبی ، ابن قتیبه دینوری ، حصری قیروانی و غیره را مطالعه کند تا ببیند که این نویسندگان درجه اول زبان عربی که اکثر آنها نیز ایرانیند و انشاء و شعر عربی مدیون کلام و سبک ممتاز و جاوید ایشانست تا چه پایه مرهون آداب و افکار ایرانی بوده و تا چه اندازه از این منبع فیض مایه گرفته‌اند . همین قبیل کیفیات بوده است که حتی متعصبترین دشمنان ایرانی را در میان قوم عرب یا اهل انصاف آن طایفه را وادار باقرار بفضایل اجداد ساسانی ما کرده است و همین امور نیز ملت ایرانی را باوجود تحمل نکبت استیلای بیگانگان توانائی آن داده که از زیر بار اینهمه ناملایمات طاقت فرسا تازه وزنده بیرون آید و سمندروار حیات ابدی خود را از سر بگیرد .

ابن خلدون از اجله مورخین اسلام میگوید : « باوجود آنکه تشکیل کنندگان دولت اسلام و صاحب شریعت اسلامی عرب بوده‌اند بیشتر علماء و ادباء و فضلاء اسلامی ایرانی‌اند و عرب در میان ایشان کم است و اگر هم عربی دیده شود یا اصلا عجم بوده و یا در نزد ایشان تربیت یافته . تأمل این مطلب در احوال خلقت عالم امری بسیار عجیب است » .

بقیه دارد